



گونه شناسی مشارکت سیاسی و اجتماعی / مشارکت هدف است یا ابزار

مشارکت به آن دسته از فعالیت های ارادتی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند.

مشارکت به آن دسته از فعالیت های ارادتی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. به گزارش خبرگزاری مهر، برخی از صاحب نظران در تعریف و تبیین فضای مفهومی مشارکت به ویژگی های اساسی این مفهوم تاکید نموده اند. از جمله "رابرت اکسلرد" بر ویژگی داوطلبانه، اجتماعی و غیر انتفاعی بودن این فرآیند تاکید دارند که بر مبنای این ویژگی ها مشارکت اجتماعی در شکل نهادی اش از نهادهایی چون مجتمع دولتی، نهاد خانواده و موسسات انتفاعی مجزا می شود. مهمترین ویژگی فعالیت های مشارکتی داوطلبانه و ارادتی بودن آنهاست.

در مجموع مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت های ارادتی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند و انجمنهای داوطلبانه مهمترین عرصه شکل گیری و سازماندهی فعالیت های مشارکتی در جامعه محسوب می گردند. با این نگاه مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد.

مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی و شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش های دموکراتیک، سهیم شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت پذیری همراه است.

هدف یا ابزار بودن مشارکت

در عمل هیچگاه برای مشارکت به عنوان هدف بودن ارزش قائل نشده اند، مگر اینکه آن شایستگی ابزاری را به عنوان یک وسیله نمایان سازد. با این وجود این مهم است که جایگاه مسلطی را به کیفیت غایت گرایانه یا ابزاری مشارکت بدهیم که بر این مبنا معیارهای اندازه گیری و ارزیابی مختلفی مطرح می شوند. در حالی که ابزارگرایانه مشارکت را بر حسب مطلوبیت که موجب بهتر شدن تصمیم ها و کنش ها می شود مورد قضاوت قرار می دهند. غایت گرایان برای کارآیی مشارکت اهمیت ثانویه قائل هستند و مشارکت برای آنها نوعی غایت و هدف است و آن را نوعی عمل فعال می دانند.

در مواردی هم مشارکت را به عنوان یک واقعیت دو بعدی که در بردارنده ابعاد ابزاری و نهادی است در نظر می گیرند. "سی ری گولت" بر این نکته تاکید دارد که مشارکت را یک واقعیت ترکیبی مرکب از هدف و وسیله بدانیم. به نظر او مشخصه دوگانه مشارکت به عنوان هدف و ابزار بیشتر مباحث توسعه را به خود اختصاص داده است.

صاحب نظرانی نیز مشارکت را ابزاری برای ایجاد محیط های دموکراتیک است. به نظر هامفری عمل گرایان عمدتاً مشارکت را به عنوان ابزار تلقی می نمایند تا هدف و در نظر رادیکال های دموکراتیک مشارکت یک شمشیر دولبه می باشد، که می تواند به عنوان ابزاری برای نیل به هدف مورد استفاده قرار گیرد و یا اینکه فی نفسه خود هدف باشد.

"سی ری گولت" برای گونه شناسی مشارکت بر حسب عامل سازمانی از سه منبع سازمان دهنده مشارکت یاد می کند که عبارت اند از دولتمردان و کارشناسان عالی رتبه که از بالا مردم را به مشارکت دعوت می کنند، مردم عادی و غیر ماهر که از پایین مشارکت را شکل می دهند و عامل بیرونی که در قالب سازمان های غیر دولتی مردم را دعوت و ترغیب به مشارکت می نمایند. به نظر تایلور و مکنزی عامل اصلی مشارکت از بالا دولت و کارگزاران دولتی هستند که مشارکت را در قالب بسیج مطرح می نمایند. آنها مشارکت را به عنوان روش نیل به اهدافشان می بینند. توسعه از درون ندرتا بوسیله رویکرد بسیج بوجود می آید مگر اینکه دیدگاهها و نیازهای اجتماعی محلی و اهداف دولت با یکدیگر مطابقت و انطباق داشته باشد حتی در این شرایط هم اگر مردم محلی قدرت تصمیم گیری پیدا نکنند، توسعه از درون به معنای واقعی خود اتفاق نخواهد افتاد. اگرچه چنین مشارکتی به آسان ترویج و بسط پیدا می کند ولی برای تبدیل به مشارکت اصیل با مشکلات عدیده ای مواجه می باشد. مشارکت اصیل به این معنا می باشد که قدرت تصمیم گیری در اختیار مردم غیر نخبه قرار گیرد و آنها از هر نوع کنترل و وابستگی آزاد کند مشارکت از پایین به بالا کلید توسعه درون زا است.

مشارکت ممکن است در قالب تمرکز زدایی از ماشین حکومتی یا سازمانهای دولتی تعبیر می شود که در طی آن منابع تصمیم گیری به سازمانهایی در سطوح پایین تر چون مقامات محلی، کمیته های محلی و یا شوراهای روستایی انتقال پیدا می کنند. اگر چه این فرآیند امکان تصمیم گیری محلی را برای انتخاب، طراحی و اجرای فعالیت های توسعه ای فراهم می کند ولی به معنای مشارکت واقعی از طرف توده های روستایی یا شهری نیست. در صورتی که مشارکت واقعی به معنای تقویت قدرت توده های محروم است که مشارکت در این معنا نیازمند ایجاد سازمانهایی از فقرا است که دموکراتیک، مستقل و خود اتکا باشند که یکی از وجوه قدرت شریک شدن در منابع برای نیل به توان جمعی و مساوات در قدرت است و جنبه دیگر آن تقویت مهارت های فنی و تحلیلی، قابلیت برنامه ریزی و مدیریت می باشد. از این منظر مشارکت ارتباطی نزدیکی با توسعه، در قالب ارتقا قابلیتها و توانایی های انسانی پیدا می کند.

آسان و پیچیده بودن مشارکت

مشارکت را بر اساس آسان "ساده" و مشکل "پیچیده" بودن نیز می توان طبقه بندی نمود. مشارکت آسان زمانی وجود دارد که از طریق قدرت حاکم و در سطح کلان مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد، حکومت های قوی به آسانی توده های عظیمی را برای حمایت از سیاست ها یا رهبران شان بسیج می نمایند. عناصر زور، تهدید و ارباب در اینجا به صراحت ایفای نقش می نمایند. اگر چه این نوع عمل به اصطلاح مشارکتی خیلی آسان صورت می گیرد اما ارتقا آن به یک مشارکت اصیل بسیار مشکل است. مشارکت اصیل به معنای اعطای قدرت تصمیم گیری به مردم غیر نخبه و آزاد نمودن آنها از تحت کنترل بودن و به همکاری پذیرفتن آنها است.

مشارکت آسان فعالیتی شبه مشارکتی است. غیر ممکن است که از آن بسیج به سطح سازمانی که متضمن توانمند سازی و بیداری مردم است ارتقا یابد. نوع پیچیده مشارکت که تحقق و حمایت از آن برای توسعه واقعی ضروری است، مشارکتی است که از پایین شروع می شود و به سطح تصمیم گیری ارتقا پیدا می کند در واقع نوعی حرکت از سطح خرد به سطح کلان است که تحقق آن با مشکلات عدیده ای همراه است.